

معماری خانه‌های روستاهای ماسوله و فشارک؛ تأثیر فرهنگی و اقلیمی

شیرین خزایی^۱

زهرا جعفری فشارکی^۲

چکیده

معماری تجسم مادی افکار، سنن و آداب مردم هر سرزمین، در کنار عواملی مانند اقلیم است. معماری تلاقی فرهنگ، هنر و فن است و بناهای هر منطقه می‌تواند تجلی عینی ارزش‌ها و باورهای هر قوم و ملت و بیان‌کننده هویت آنها با تکیه بر اقلیم باشد. در این مقاله، روستای کوهستانی ماسوله در استان گیلان و روستای کویری و کوهستانی فشارک در استان اصفهان مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. عناصر و جزئیات ساخت و ساز و معماری خانه‌های این دو منطقه و تأثیر عواملی مانند اقلیم و فرهنگ بر معماری آنها از جمله موضوعاتی هستند که به آنها اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: معماری، خانه روستایی، تأثیر اقلیم در معماری، معماری

خانه‌های ماسوله، معماری خانه‌های فشارک

۱. کارشناسی ارشد مردم‌شناسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و پژوهشگر حوزه مردم‌شناسی
shirinkh60@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد مردم‌شناسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و پژوهشگر حوزه مردم‌شناسی
Sh1967jf@yahoo.com

مقدمه

از زمانی که با طرح مالکیت خصوصی، دولت‌ها شکل گرفتند و مرزها کشیده شدند، هنر معماری در خانه نیز نمود پیدا کرد. از همان زمان که انسان نیاز به سرپناهی پیدا کرد که او را از خطرات و بلایا دور نگه دارد، معماری نیز آغاز شد. معماری خانه‌ها تصویرگر ارتباط انسان با معنویات بود و تلاش می‌شد تا بنا، رنگی معنوی بگیرد. به همین دلیل معماری خانه‌ها در قدیم، پیش از آنکه در خور تحسین باشد، شایسته دوست داشتن بود. با مطالعه معماری بخصوص معماری خانه‌ها می‌توان دریافت که این هنر علاوه بر آنکه انعکاسی انتزاعی از ذهن بشر بوده، ارتباطی تنگاتنگ با آب و هوا و فرهنگ هر منطقه داشته است. به این معنا که طبیعت و آداب و رسوم منبعی غنی برای ساخت خانه به شمار می‌روند. در اینجا معماری را می‌توان مانند مثالی دانست که فرهنگ، انسان و طبیعت سه رأس آن را تشکیل می‌دهند.

به عقیده مردم‌شناسان، فرهنگ دارای دو بُعد معنوی و مادی است. بعد فرهنگی یک جامعه، مجموعه‌ای از باورها، آداب و رسوم، قوانین، ارزش‌ها، تابوها و غیره است و بعد مادی آن را می‌توان در ساخته‌های دست انسان مانند مجسمه‌ها، انواع نقاشی، سفال و معماری خانه‌ها یافت. در معماری کهن ضمن برآورد میزان استحکام بنا، نیازهای فرهنگی مردم نیز مورد توجه قرار می‌گرفت.

ارزیابی خانه‌های مسکونی سنتی می‌تواند بیانگر هنر و فرهنگ باشد. از این رو، عناصر و جزئیات معماری این خانه‌ها می‌تواند شیوه‌های ساخت خانه و همچنین معیشت ساکنان آن را معرفی کند و توانایی انسان را در ارتباط با تلاقی فرهنگ، مذهب و اقتصاد مورد مطالعه قرار دهد تا چگونگی انطباق زیستی انسان با محیط را هر چه بهتر بیان کند.

موضوع اصلی این مقاله، شناخت تأثیر عوامل فرهنگی و اقلیمی بر معماری خانه‌هاست. به همین دلیل، پژوهشگران با مطالعه و مقایسه معماری خانه‌ها در

معماری خانه‌های روستاهای ماسوله و فشارک؛ تأثیر فرهنگی و اقلیمی ❖ ۲۳۹

دو روستای ماسوله گیلان و فشارک اصفهان، از طریق مطالعه اسنادی، مشاهده و مصاحبه، در صدد پاسخگویی به این پرسش بوده‌اند که معماری خانه‌ها تا چه حد تحت تأثیر اقلیم و فرهنگ قرار دارد؟

ویژگی‌های روستای ماسوله

روستای ماسوله در استان گیلان است. اقلیم سرزمین گیلان به آب و هوای معتدل خزری شهرت دارد. ماسوله در ۵۵ کیلومتری رشت قرار دارد و در ناحیه‌ای کوهستانی و جنگلی، در دامنه‌ای صخره‌ای با وسعت ۱۶ هکتار و ارتفاع ۱۰۵۰ متر از سطح دریای آزاد بنا شده‌است. ماسوله از غرب به خلخال، از شمال به ماسال و از جنوب به طارم محدود است.

ویژگی‌های روستای فشارک

روستای فشارک از توابع دهستان کوهپایه استان اصفهان است و در دامنه جنوبی رشته کوه‌های مرکزی ایران (کرکس) و در ارتفاع ۲۱۹۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است. از این روستا، قله کوه مارشان به ارتفاع ۳۳۳۴ متر به وضوح قابل رؤیت است.

فشارک، روستایی کویری و کوهستانی است که در شمال شرقی استان اصفهان و در بین راه اصفهان و نائین در فاصله ۹۵ کیلومتری شهر نائین و ۱۵ کیلومتری دهستان کوهپایه در حاشیه کویر واقع شده است. وسعت این روستا با مزارع، مراتع، کوهستان، دشت و جلگه ۴۰ کیلومترمربع است و با شهر اصفهان ۷۰ کیلومتر فاصله دارد. (پایگاه اطلاع‌رسانی گوگل‌ارت)

ریخت‌شناسی روستاهای مورد مطالعه

زمانی که انسان از لحاظ فناوری پیشرفت کرد و توانست مایحتاج خود را از یک مکان تهیه کند، میل به یکجانشینی نیز در وی افزایش یافت و این

مسئله موجب پیدایش روستاها شد؛ هر چند که عوامل دیگری مانند مالکیت و خویشاوندی نیز در این موضوع دخیل بوده‌اند.

روستاهای پدید آمده در مناطق مختلف، هر کدام در قالب توان محیطی خود سیر تکاملی و روند رشد و توسعه روستا را تکمیل می‌کنند و در پناه ویژگی‌های محیطی و استعدادهای طبیعی آینده خود را سامان می‌بخشند. ساکنان مناطق مرطوب و باران‌خیز راه‌هایی در پیش گرفته‌اند که ساکنان مناطق خشک از آن بی‌بهره‌اند. چنین تمایزی در همه وجوه زندگی، از ابزار گرفته تا شیوه‌های امرار معاش مشاهده می‌شود. (بدری‌فر، ۱۳۸۱: ۸۲)

خانه‌های روستایی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. این خانه‌ها کارکردهای گوناگونی برای مردم روستا دارند و تأثیر عوامل گوناگون بر معماری آنها بسیار مشهود است اما پیش از آنکه به عوامل مؤثر در نوع معماری خانه‌ها بپردازیم، عوامل گوناگون در تجمیع و پراکندگی خانه‌های روستایی را بررسی می‌کنیم.

چهار عامل مهم در شکل‌گیری روستا عبارت‌اند از:

۱. عامل طبیعی
۲. عامل امنیت
۳. عامل خویشاوندی
۴. عامل مالکیت

نظر به اینکه شکل سکونت در روستاها، با عوامل طبیعی مانند آب و خاک ارتباط زیادی دارد، در نواحی کم‌آب، خشک و نیمه‌خشک که همکاری جمعی به منظور تهیه آب ضرورت پیدا می‌کند، عامل آب در تمرکز خانه‌های روستایی بیشترین تأثیر را دارد. برای مثال، وجود چشمه یا قنات در یک منطقه و طرز استفاده از آب قنات‌ها و چشمه‌ها و نیز شیوه‌های آبیاری، در شکل سکونت قشرهای اجتماعی جامعه روستا اثرگذار است؛ چنان که اغلب، قشرهای بالای اجتماع در نزدیکی مظهر قنات جای گرفته‌اند و قشرهای کم‌درآمد، در محل‌های به نسبت دور از قنات سکونت گزیده‌اند. عامل خاک نیز

از دیگر عواملی است که در تجمع خانه‌های روستاییان مؤثر است. کمبود خاک و محدود بودن اراضی زراعی نیز سبب می‌شود تا برای استفاده بهینه از زمین، روستاییان واحدهای مسکونی خود را متصل به هم بنا کنند و اراضی زراعی در محلّ دیگری، با فاصله از منطقه مسکونی واقع شوند.

عامل دیگر، امنیت است. روستاهایی که در معرض هجوم اقوام صحرانشین و سارقان قرار داشتند، به ضرورت دفاع، شکل متمرکز و مجتمع به خود می‌گرفتند.

عامل خویشاوندی و طایفه‌ای یکی دیگر از این عوامل است. پاره‌ای گروه‌ها که در میان آنها نظام خویشاوندی نیرومندی وجود دارد و یا از یک طایفه تشکیل شده‌اند، گرایش بیشتری به تجمع دارند و روستاهای متمرکز را به وجود آورده‌اند.

اما آخرین عامل، عامل مالکیت است که در تجمع و پراکندگی خانه‌های روستایی مؤثر است. در نقاطی که پیش از این، نظام مالکی و ارباب-رعیتی حاکم بوده است، خانه‌های روستایی بیشتر متمرکز و مجتمع‌اند. (نیک‌خلق، ۱۳۸۲: ۷۶)

به هر حال، از میان عوامل ذکر شده، عامل طبیعی، از عوامل اولیه و مورد توجه در شکل‌گیری دو روستای مورد نظر است. بافت تاریخی روستای ماسوله نیز به گونه‌ای است که باعث می‌شود تمام خانه‌ها زنجیروار به هم پیوسته باشند. ماسوله که روستایی کوهستانی است با بافت پله‌کانی به نحوی طراحی شده است که با شیب ملایم محیط هماهنگ باشد. از ویژگی‌های بسیار مهم ماسوله استفاده از بام خانه‌ها به عنوان مسیر است. ساکنان در استفاده از بام خانه‌هایشان به عنوان یک مسیر عمومی توافق دارند. در واقع، پشت بام‌ها حیاط اجتماعی مردم هستند که در مراسم مختلف و جشن‌ها به فضاهای عمومی تبدیل می‌شوند. قدم زدن در پشت بام‌ها زندگی جمعی است. افراد در پشت بام‌هایی که ارتفاع گوناگون دارند، چشم‌اندازها و منظره‌های متنوعی از

۲۴۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

طبیعت را تجربه می‌کنند. شایان ذکر است که طول قطعات برای دسترسی به ارتفاع بالاتر محدود است و خانه‌هایی که در این قطعات قرار می‌گیرند، هر کدام به مسیرهای مختلفی دسترس دارند.

در مقایسه با روستای ماسوله، بافت قدیمی روستای کویری و کوهستانی فشارک، به صورت متمرکز است. خانه‌های قدیمی، اغلب به طور انبوه بر گرد یکدیگر قرار گرفته‌اند و باغ‌ها و مزارعی در اطراف آنها گسترده‌اند که راه‌های ارتباطی روستا را می‌سازند.

از آنجا که در مناطق معتدل و مرطوب، بهترین راه حل برای تنظیم شرایط محیطی، استفاده از جریان باد و تهویه هواس، در روستای ماسوله برای تأمین آسایش ساکنان، ساختمان‌ها را تا حد ممکن، در ارتفاع بلندتر از سطح زمین و از دو یا چهار طرف باز می‌سازند. در این روستا نیز مانند سایر روستاها که در منطقه کوهستانی واقع شده‌اند، بافت مسکونی در قسمت پایین دره قرار نمی‌گیرد. چون در هنگام شب، هم هوای سرد که سنگین‌تر است به پایین دره نفوذ می‌کند و هم خطر سیل وجود دارد. از طرف دیگر، سمت شمالی کوه همواره در سایه قرار دارد و سرمای شدید آن مانع از آسایش ساکنان می‌شود. قسمت بالای کوه نیز به دلیل شدت باد و نبود حصار برای کنترل آن، مناسب بافت مسکونی نیست. بهترین قسمت برای استقرار این بافت و سازگاری هر چه بیشتر با شرایط زیست‌محیطی، وسط کوهپایه و سمت جنوبی آن است. در روستای فشارک تداخل دو نوع آب و هوای کویری و کوهستانی سبب شده است تا این منطقه بافت خاصی را در شکل و معماری ساختمان‌ها به خود اختصاص دهد. با توجه به اینکه در ساخت مناطق مسکونی، شرایط اقلیمی را باید مورد توجه قرار دارد، سه عامل آب، مسیل و کوه در شکل‌گیری این روستا تأثیر به‌سزایی داشته است. منبع اصلی آب شرب اهالی، چشمه اصلی کوه مارشنان است که از طریق قنات، آب آن به سمت خانه‌ها و مزارع هدایت می‌شود. بنابراین، آب عامل مهمی در تمرکز بافت مسکونی در مسیر گذر

معماری خانه‌های روستاهای ماسوله و فشارک؛ تأثیر فرهنگی و اقلیمی ❖ ۲۴۳

چشمه در جنوب غربی کوه بوده است. همچنین پراکندگی نزولات آسمانی که در ایام مختلف سال شدت و حدت پیدا می‌کند و موجب پیدایش سیلاب‌های ناگهانی می‌شود، اسکان دور از مسیل را سبب شده است. همان طور که پیش‌تر گفته شد، تداخل این دو نوع آب و هوا، وزش بادهای موسمی را موجب می‌شود که این امر نیز در بافت مسکونی لحاظ شده است.

در عین حال، عامل دوم در شکل ظاهری روستای فشارک نیز بی‌تأثیر نبوده است. خطر ناامنی و حمله دزدان موجب شده است که خانه‌های روستای فشارک مانند یک قلعه باشند تا افراد بتوانند تمام آذوقه و غلات خود را در آن پنهان سازند. هر چند کوهستان روستای ماسوله ساکنان را به طور طبیعی از خطر غارت محفوظ داشته است.

عامل خویشاوندی و مالکیت نیز در پیدایش شکل دو روستای بی‌تأثیر نبوده است. روستای فشارک دارای دو محله پایین ده و بالا ده است. در روستای فشارک که آب از ارزش حیاتی برخوردار بود، افراد متمول که اکثر آنها دارای قرابت و خویشاوندی نیز بودند، در بالا ده یعنی نزدیک چشمه و استخر که مرکز اصلی تجمع آب بود، زندگی می‌کردند و بقیه مردم که تمکن مالی نداشتند، در پایین ده سکونت داشتند.

اما در ماسوله به دلیل وفور منابع آبی، آب از ارزش بالایی برخوردار نیست و خاک به لحاظ ارزشی، جایگزین آن شده است. بنابراین متمولان در این روستا، فضاهای بیشتری در اختیار دارند و عوامل خویشاوندی و طایفه‌ای، از اصلی‌ترین دلایل تجمع روستاییان در کنار یکدیگر است.

معماری و خانه

عوامل مؤثر در سیمای خانه‌ها

در خصوص چگونگی ساخت مسکن در هر منطقه، نخست داده‌های جغرافیایی و فرهنگی مورد توجه پژوهشگر قرار می‌گیرد و سپس همه ارکان

۲۴۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

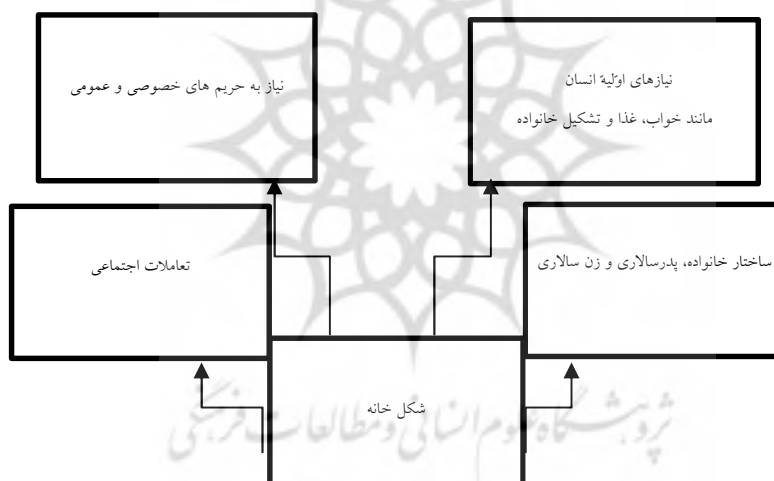
تشکیل‌دهنده یک خانه، با دیدگاه‌های فرهنگی بی‌شمار در مناطق مختلف و با اندیشه‌های متفاوت اقوامی که در ساخت آن نقش داشته‌اند، در نظر گرفته می‌شود. به این ترتیب، هر ذره از عناصر مسکن، طراحی، تصویر و اندازه‌گیری می‌شود و مصالح و عناصر تشکیل‌دهنده آن با کنجکاوای مورد مطالعه قرار می‌گیرد. (عسگری خانقاه، ۱۳۸۸: ۲۱۵)

معماری، تلاقی فرهنگ، هنر و فن است؛ هیچ بنای دست‌ساخته انسان نیست که رنگ و صبغه فرهنگی نداشته باشد. آدمیان، پدیدآورندگان بناها، تأسیسات و فضاهای زیستی‌اند و از این رو، می‌توان آثار معماری را به نوعی، در زمره آثار فرهنگی به شمار آورد. معماری می‌تواند تجلی عینی ارزش‌ها و باورهای هر قوم و ملت و بیان‌کننده هویت آنها باشد.

در معماری سنتی ایرانی تلاش می‌شد تا از بیهوده‌سازی جلوگیری شود؛ به این ترتیب، هیچ فضایی بی‌دلیل ساخته نمی‌شد و بی‌استفاده نمی‌ماند. همچنین خودکفایی از اصولی به حساب می‌آمد که در ساخت خانه‌ها و بناها از اهمیت خاصی برخوردار بود و به همین دلیل نیز مصالح از نزدیک‌ترین محل و یا حتی از محل احداث بنا تأمین می‌شد. مصالح مورد استفاده در معماری خانه‌های دو روستای ماسوله و فشارک از طبیعت پیرامون تهیه شده‌اند در نتیجه، اقلیم بر ساختار بیرونی و درونی منازل نیز عاملی تأثیرگذار است. برای مثال، در نواحی معتدل و مرطوب مانند روستای ماسوله، خانه‌ها بر روی پایه‌هایی از سنگ و گل بنا شده‌اند تا از نفوذ رطوبت محفوظ بمانند ولی در روستای فشارک، بر روی سطح زمین و یا حتی پایین‌تر ساخته می‌شوند تا شرایط گرمایی با عمق زمین متعادل شود. ضخامت دیوارها در روستای ماسوله بسیار کمتر از روستای فشارک است زیرا در این روستا، نیازی به ذخیره حرارت نیست در حالی که در روستای فشارک، دیوارها باید از نفوذ حرارت به داخل ساختمان در تابستان و اتلاف آن در زمستان جلوگیری کنند.

معماری خانه‌های روستاهای ماسوله و فشارک؛ تأثیر فرهنگی و اقلیمی ❖ ۲۴۵

تأثیر فرهنگ بر معماری سنتی نیز از آنجایی مشخص می‌شود که در اقلیم‌های متفاوت، شباهت‌هایی در نوع معماری بویژه معماری خانه‌ها مشاهده می‌شود. این تأثیر ممکن است ناشی از آداب و رسوم، مذهب یا سنت باشد. در برخی موارد نیز ردپایی از فرهنگ متفاوت نقطه‌ای دور دست، در معماری خانه‌ها دیده می‌شود که گواهی بر تعاملات اجتماعی بین اقوام گوناگون است. خصیصه‌های فرهنگی یک جامعه، الگوهای رفتاری آن جامعه‌اند که تأثیرشان بر نوع معماری خانه‌ها مشاهده می‌شود. در اینجا به الگوی راپاپورت که بیانگر گستردگی و تعدد عوامل و نیروهای فرهنگی - اجتماعی تأثیرگذار بر شکل خانه‌هاست، اشاره می‌شود:



براساس مطالعه‌ای که بر روی دو روستای ماسوله و فشارک صورت گرفته است، عوامل ذکر شده از دیدگاه راپاپورت در معماری خانه‌های این دو روستا به وضوح مشاهده می‌شود. علاوه بر نقش اساسی خانه در برآوردن نیازهای ابتدایی، احساس امنیت، آرامش و تداوم خانواده نیز از کارکردهای هر خانه است.

در این بخش از مقاله، به تفکیک، عناصر و اجزای خانه‌های دو روستا با تأکید بر الگوی راپاپورت بررسی و مقایسه می‌شوند:

آنچه مسلم است، در قدیم همانند امروز، خانه‌های مردم کم درآمد، با سبک و روش ساده و خانه‌های توانگران و فرمانروایان با پیشرفته‌ترین سبک ساخته می‌شد. با این حال در نوع معماری تفاوت چندانی به چشم نمی‌خورد.

در روستای فشارک، خانه‌ها اغلب یک طبقه است؛ به ندرت برخی خانه‌های دو طبقه هم مشاهده می‌شود که متعلق به طبقه اعیان و اشراف است اما در روستای ماسوله، بنا به موقعیت اقلیمی و بویژه کوهستانی، خانه‌ها به صورت پلکانی ساخته شده‌اند.

مصالح

به طور عمده خانواده‌های روستایی در ساخت خانه‌ها از امکانات محیط پیرامون خود و مواد و مصالحی که طبیعت در اختیار آنان قرار می‌دهد، استفاده می‌کنند. در گیلان، بویژه ناحیه‌های جنگلی، اسکلت خانه‌های سنتی از جنس چوب و پوشش بام‌ها، از مواد گیاهی است. در روستاهای مناطق کوهستانی، سنگ و گل مصالح عمده ساختمان‌های سنتی را تشکیل می‌دهند و در دشت‌های کویر مرکزی و سرزمین‌های حاشیه کویر، خانه‌ها به صورت خشت و گلی، با دیوارهای ضخیم ساخته می‌شوند و اغلب دارای سقف گنبدی (ضربی) یا گهواره‌ای هستند تا گرمای محیط به درون اتاق نفوذ نکند. (نیک‌خلق، پیشین: ۸۱)

همان گونه که گفته شد، در معماری سنتی، تأثیر اقلیم بر نوع مصالح به خوبی مشهود است و در بیشتر موارد، مصالح به کار گرفته شده از محیط اطراف به دست آمده است. به ندرت در ساخت خانه‌ها از ابزار و یا مصالحی که از راه دور به آنجا آورده می‌شد، استفاده می‌کردند، مگر آنکه تمکن مالی صاحبخانه اجازه انتقال مصالح را به روستا می‌داد.

در گذشته، بیشتر خانه‌های روستاهایی مناطق کویری با خشت و گاهی نیز آجر ساخته می‌شد اما برخلاف معماری بومی کویر، در معماری بومی کوهستانی به طور عمده از چوب و الیاف گیاهی استفاده می‌کردند که در این زمینه، جنگل‌های انبوه واقع در کنار مزارع برنج، از مهم‌ترین منابع تأمین مصالح ساختمانی به شمار می‌رفت.

ساختمایه‌ها در قسمت‌های مختلف بناهای روستای ماسوله، متفاوت و ترکیبی از سنگ، خشت و چوب‌اند که همگی در منطقه یافت می‌شود. ایستایی بنا بر روی یک قطعه سنگ یکپارچه است. معماران محلی هیچ‌گاه سنگ یکپارچه را نمی‌شکستند و به همین دلیل، ساختمان‌ها با شیب طبیعی زمین در دو یا سه طبقه ساخته می‌شدند. برای عایق‌بندی حرارتی و رطوبتی نیز از نوعی خاک خاکستری رنگ که در محیط وجود دارد و «فوش» نامیده می‌شود، استفاده می‌کردند. نکته جالب اینکه این خاک هر چه بیشتر پا بخورد، عایق‌تر می‌شود و به همین دلیل استفاده ساکنان از بام خانه‌ها به عنوان مسیر رفت و آمد عمومی، به عایق‌تر شدن بام ساختمان کمک می‌کند.

آجر و خشت از مصالح اصلی به کار رفته در خانه‌های روستای فشارک بود. در این روستا، کسانی که از تمکن مالی قوی‌تری برخوردار بودند از آجری که از شهرستان اصفهان به آنجا انتقال داده می‌شد، استفاده می‌کردند. خشت‌ها را نیز اهالی روستا می‌ساختند. برای این منظور، خاک مناسبی را از حومه، تهیه و با آب مخلوط می‌کردند و با پا لگد می‌زدند تا خمیر حالتی چسبناک به خود بگیرد. آن گاه در قالب‌های چهارگوش می‌ریختند و بر روی زمین برمی‌گرداندند تا زیر آفتاب خشک شود. در اغلب موارد، دیوارها را تنها با خشت نمی‌ساختند. در بین خشت‌ها، به فاصله‌ای در حدود ۸۰ سانتی‌متر چند ردیف سنگ نیز چیده می‌شد تا به استحکام دیوارها کمک کند. روی دیوارها را نیز با کاهگل می‌پوشاندند و با گچ سفید می‌کردند.

۲۴۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

دیوار خانه‌های ماسوله به طور معمول تا طبقه اول با سنگ لاشه ساخته می‌شد و پس از آن، از خشت‌هایی با ابعاد ۳۰ در ۳۰ با ضخامت ۸ سانتیمتر استفاده می‌شد. سپس تا زیر سقف دوباره از سنگ لاشه استفاده می‌شد. در فواصل مختلف (حدود یک متر) و برای پخش نیروهای وارد شده از سقف به پایین به طور یکنواخت از کلاف‌بندی یا به اصطلاح محلی چوب‌بست استفاده می‌شد که چوب به کار رفته در آن از جنس مازو^۱ بود. از تیرهای دیگری به نام «کلیله» نیز در نزدیکی دیوارها برای کمک به توزیع نیروها استفاده می‌شد. بر روی تیرچه‌ها، تخته‌کوبی یا دارچین می‌کنند. دارچین، قطعه قطعه کردن چوب‌ها مانند هیزم است. نوع مصالح، خشت و گل است و از گیاهانی مانند سرخس وحشی که به طور خودرو در ماسوله و اطراف آن به فراوانی می‌روید و عایق آب است، استفاده می‌شود. ماسوله‌ای‌ها این گیاه را خشک می‌کنند و در سقف ساختمان بین گل و چوب قرار می‌دهند تا آب باران را در خود نگاه دارد و بعد از مدتی بر اثر تابش آفتاب بخار شود. اکثر آنها سالی یک بار روپنای خانه‌های خود را با گل زرد و بام آن را با گل کبود که هر دو از کناره «ماسوله رودخان» به دست می‌آیند، اندود می‌کنند. آخرین ماده برای پوشش سقف، گلی به نام فوش است که بر روی سرخس‌ها ریخته می‌شود؛ به کمک فوش شیب ملایمی را در سقف برای دفع آب باران ایجاد می‌کنند.

سقف

همان گونه که گفته شد، مهم‌ترین ویژگی معماری در روستای ماسوله، پلکانی بودن خانه‌هاست. به طور معمول، سقف یک خانه، حیاط خانه بالاتر از خود است و به این ترتیب، سقف خانه‌ها صاف و مسطح است. در ماسوله از

۱. مازو ماده‌ای است که از درخت بلوط به دست می‌آید و به وسیله حشره مخصوصی در روی درخت تولید می‌شود و به شکل دانه‌ای به اندازه فندق درمی‌آید، این دانه‌ها را از روی تنه شاخه جمع کرده و برای رنگ کردن و دباغت پوست حیوانات به کار می‌برند. (عمید، ۱۳۸۳: ۱۰۳۹)

سقف‌های مسطح به عنوان مسیر رفت و آمد استفاده می‌کنند و با شیب ملایم این مسیر، آب باران به سمت آبراه هدایت می‌شود.



در ماسوله سقف‌ها، محلی برای گذر و تجمع اهالی هستند و دایره وسیع ارتباطی را تشکیل می‌دهند. بنابراین، تعاملات اجتماعی در این روستا، نقشی اساسی در نوع معماری خانه‌ها ایفا می‌کند. همچنین تأثیر اقلیم بر سقف خانه‌ها در هر دو روستا مشاهده می‌شود. چوب یکی از مصالح اصلی در ساخت خانه‌های ماسوله است که از نفوذ رطوبت به داخل خانه جلوگیری می‌کند. اما در روستای کویری فشارک در ساخت سقف‌های گنبدی به دلیل کمبود چوب، از خشت و گل استفاده می‌شود و شکل آن به گونه‌ای است که موجب تهویه هوا و جلوگیری از نفوذ حرارت به داخل اتاق‌ها می‌شود. گاه نیز به دلیل اعتدال نسبی هوا در ساخت بام‌های مسطح از چوب استفاده می‌کنند اما بیشتر منازل روستای فشارک سقف گنبدی دارند. ساخت سقف اتاق‌ها به این صورت است که سه اتاق را در کنار هم می‌سازند و سقف را از دو اتاق کناری شروع و به اتاق وسط ختم می‌کنند. سقف این اتاق را با چوب می‌بندند و روی آن را با گچ می‌پوشانند. حد فاصل

بین سقف گنبدی و چوبی، فضایی برای نگهداری آذوقه به وجود می‌آید که اهالی به آن «بالاچی» می‌گویند. این اتاق‌ها با دری چوبی به یکدیگر راه دارند.

در و کوبه

شکل در و کوبه خانه‌ها نیز ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و اقلیم دارد. در ماسوله، درهای خانه‌ها اندازه‌های مختلف دارند. عرض درهای یک لنگه، به طور معمول، بین ۷۰ تا ۱۷۰ و ارتفاع آنها در حدود ۱۷۰ است. درهای دو لنگه و بزرگ‌تر، برای ورود حیوانات اهلی استفاده می‌شوند. ورودی خانه‌ها با قوس‌های سردر که به طور معمول به صورت جناغی است، ساخته می‌شود. بیشتر درها در هر دو روستا، چوبی هستند و شکل ظاهری آنها با یکدیگر شباهت زیادی دارد. انتخاب جنس چوب به گونه‌ای است که با شرایط اقلیمی و جغرافیایی دو روستا تطابق محیطی داشته باشد.

همان‌گونه که شکل ساختمانی ابنیه تا حدود زیادی تابع شرایط جوی، مصالح ساختمانی موجود، شیوه‌های سازه‌ای محلی و اعتقادات فکری ساکنان است، ساماندهی داخلی منازل مسکونی قدیم نیز همانند مراکز شهرهای قدیمی از مظاهر خاصی از قبیل روابط اجتماعی - مذهبی و عرف رایج تفکرات عمومی تأثیر پذیرفته و شکل گرفته است. (محمدمرادی،

۱۳۸۱: ۱۳)



در روستای فشارک نیز خانه‌ها اغلب دارای دو در هستند؛ در نزدیک طویله بزرگ‌تر است و برای ورود دام در نظر گرفته می‌شود. در ورودی خانه که

چوبی و کوتاه است، دو بکوب (دق‌الباب) دارد که یکی را برای مردان (به شکل بلند و کشیده با صدای بم) و دیگری را برای زنان (به شکل حلقه‌ای با صدای زیر) در نظر گرفته‌اند. فرهنگ و اعتقادات دینی روستاییان، موجب شده است که درهای خانه‌ها کوبه‌دار باشند و هر کوبه اختصاص به مردان و زنان یابد تا افراد بدون اجازه وارد خانه نشوند. این موضوع بیشتر در روستای فشارک صادق است در حالی که در خانه‌های ماسوله، در اغلب موارد تک‌کوبه‌ای است.

در روستای فشارک، بالای سردر خانه‌ها و یا روبه‌روی در ورودی، اغلب طاووسی بزرگ و زیبا گچ‌بری شده است. به اعتقاد اهالی، طاووس نویددهنده صبح و روشنایی است. در این روستا درهای ورودی کوتاه ساخته می‌شد تا هنگام ورود به خانه، سر به ناچار خم شود؛ این عمل در تعاملات اجتماعی روستاییان بسیار اثرگذار بود.

ورودی‌ها، دالان‌ها، اتاق‌ها و فضاهای فرعی

فضای داخلی خانه‌ها نیز مانند نمای بیرونی آنها مطابق با شرایط اقلیمی ساخته می‌شد تا علاوه بر تهویه هوا در داخل ساختمان، اتاق‌ها را از گرما و سرمای محیط حفظ کرده و هوایی معتدل در داخل خانه به وجود آورد و همچنین ساخت فضاهای اختصاصی برای نگهداری مواد غذایی به گونه‌ای بود که مواد غذایی را از فاسد شدن دور نگه دارد.

موقعیت کوهستانی ماسوله موجب تراکم خانه‌ها شده است و به همین دلیل، ورودی‌های خانه در نقاط مختلفی قرار گرفته‌اند چنان که حتی گاه یک خانه سه ورودی دارد. هر خانه می‌تواند مشتمل بر یک یا چند اتاق و فضاهای دیگری مانند ورودی، انبار، راه‌پله و دالان باشد. ممکن است خانه‌ای یک یا دو یا همه این فضاها را داشته باشد. کارکرد برخی از این بخش‌ها مجزا کردن حریم خصوصی و عمومی از یکدیگر است به گونه‌ای که فضای خصوصی

۲۵۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

خانه از چشم نامحرمان دور باشد. اینجاست که تأثیر اعتقادات دینی و ارزش‌ها در معماری خانه‌ها نمودار می‌شود. مهمان‌نوازی هم از جمله تعاملات اجتماعی است که در بین ایرانیان قدیم مرسوم بوده است. این رسم ایرانی در گذشته از ارج و قرب خاصی برخوردار بود و به همین دلیل نیز اتاق بزرگ‌تر و با نور و تهویه بهتر مخصوص مهمان ساخته می‌شد چنان‌که حتی در برخی شرایط خاص نیز افراد خانواده نمی‌توانستند از آن استفاده کنند.

خانه‌هایی که در بین مجموعه‌ای از خانه‌ها واقع شده‌اند، به طور معمول در مسیر اصلی قرار دارند. اما خانه‌هایی که در کنار مجموعه و در مسیرهای فرعی قرار گرفته‌اند، از کنار ورودی دارند. در برخی از موارد نیز برج‌هایی برای ارتباط دادن خانه‌های میانی با کوچه بالای خود ساخته شده‌اند. گاهی در کنار برج که تنها یک فضای ارتباط‌دهنده است، اتاقی به نام «برجک» ساخته می‌شود.

دالان فضای ارتباط‌دهنده بین چند اتاق است. در خانه‌های دو یا سه طبقه، دالان در طبقه همکف قرار دارد و در کنار آن، فضاهایی مانند طویله، انبار و راه پله قرار می‌گیرد. گاه در کنار دالان، اتاق کوچکی برای زندگی ساخته می‌شود. راه‌پله به صورت‌های مختلف؛ یا در جهت دالان و یا عمود بر آن قرار می‌گیرد و جنس پله‌ها که شیب تندی دارند، از چوب است. بر روی پله‌ها، دریچه‌ای به نام «مفرق» قرار می‌گیرد که مانع از ورود هوای سرد زمستان به طبقه اول می‌شود.

راه‌پله که از چوب ساخته می‌شود و اغلب شیب تندی دارد، گاه مستقیم به اتاق راه پیدا می‌کند ولی در بیشتر موارد، به فضایی به نام «چغم» (čaqam) ختم می‌شود. چغم فضای ارتباط‌دهنده بین چند فضا است. اگر ورودی به طبقه اول باز شود اولین فضا، چغم نامیده می‌شود که شکل‌های مختلف دارد. گاهی به صورت دالانی کشیده و گاهی به صورت اتاقی کوچک یا بزرگ است. چغم، بسته به عملکردهای مختلف در محل‌های مختلف قرار می‌گیرد و به

طور معمول، با فضایی به نام «سومه» (some) در ارتباط است. در هر صورت، چغم ارتباط بین چند فضا را فراهم می‌کند و در حال حاضر از آن به عنوان آشپزخانه و دستشویی هم استفاده می‌شود.

سومه اتاق زمستان‌نشین است. این فضا در پشت اتاق‌ها یا تالار قرار می‌گیرد و دارای ابعادی حدود ۲ در ۴ است. نورگیری این فضا که از اطراف، محصور اتاق‌های دیگر است، تنها از طریق نورگیری به نام «لن» (lan) تأمین می‌شود. به طور معمول در این فضا، اجاق و تعدادی طاقچه نیز برای استفاده در فصول سرد زمستان تعبیه می‌شود.

این فضا، در زبان محلی، بسته به ابعاد و یا محل قرارگیری آن و گاهی هم بسته به عملکرد خاصی که دارد، به گونه‌های مختلف مطرح می‌شود. در بعضی خانه‌ها تمام عملکردهای سومه، چغم، انبار و مانند آن در همین اتاق صورت می‌گیرد و به این ترتیب، بخاری دیواری، اجاق، صندوق و انواع طاقچه و غیره در آن تعبیه می‌شود. در برخی خانه‌ها نیز با توجه به عملکردهای مختلف فضاهای مختلفی ایجاد می‌شود.

در بدو ورود، مکانی سکو مانند برای نشستن کسانی که با اهل منزل کاری دارند، ساخته شده تا همانجا به امورشان رسیدگی شود و نیازی به وارد شدن به منزل نباشد. خانه‌های روستای فشارک به گونه‌ای طراحی شده‌اند که افراد در بدو ورود، وارد فضایی جداگانه مانند هشتی یا راهرو می‌شوند و داخل منازل در ابتدای ورود در معرض دید قرار نمی‌گیرد. در بعضی خانه‌ها با یک پله وارد راهرویی با سقف کوتاه می‌شوند که داخل آن طاقچه‌هایی ایجاد شده است. سقف کوتاه و دیوار کاهگلی، موجب شده است که این راهرو بسیار خنک باشد چنان که حتی در زمان‌های گذشته، کوزه‌های آب را در آن نگهداری می‌کردند. در حال حاضر، اهالی از منبع برای ذخیره آب استفاده می‌کنند و ظروف پلاستیکی نیز جایگزین کوزه‌ها شده است.

البته همیشه اتاقی در ورودی قرار دارد که مخصوص پذیرایی از مهمانان مرد است و یک در از ورودی و یک در از داخل دارد. خانه‌های اربابی اغلب دارای اتاق‌های تابستانی و زمستانی هستند. در روستا منازل دو طبقه‌ای نیز وجود دارد که کف حیاط آنها با سنگ به صورت گل تزئین شده است.

گاهی جلوی اتاق میانی، ایوان می‌ساختند تا هنگام تابستان از آن استفاده کنند. فضای بین اتاق‌ها و حیاط را «خرند» (xarand) می‌گویند. اتاق‌ها همه دارای طاقچه‌اند و این طاقچه‌ها با یکدیگر تقارن دارند. اتاق‌ها بنا به استفاده و کارکردی که دارند و بسته به نوع معماری آنها اسامی گوناگون دارند. مانند اتاق ایوانی، به دلیل داشتن ایوان که اغلب دارای چند در است. اتاق تیر چوبی به دلیل داشتن سقف چوبی و گنبدی و اتاق طاق چشمه که در گوشه آن، فضایی کوچک برای نگهداری مواد غذایی درون دیوار در نظر می‌گرفتند. این فضا، ورودی کوچک ولی فضایی بزرگ مانند یک صندوقچه داشت. دیوار خشتی باعث می‌شد که این فضا کارکردی مانند یخچال داشته باشد. البته فضاهای مخفی دیگری نیز که اهالی به آن «بلونی» (boluni) می‌گویند، در کف اتاق برای مخفی کردن گندم و جو در نظر می‌گرفتند.

در بعضی اتاق‌ها از نوعی بخاری استفاده می‌شود که امروزه در منازل شهری آن را شومینه می‌نامند. البته مردم روستا هنوز به آن بخاری می‌گویند. این بخاری با چوب می‌سوزد و دارای هواکشی است که دود ناشی از سوخت چوب از طریق آن از سقف خارج می‌شود. درهای اتاق‌ها همه چوبی هستند و گاهی شیشه‌هایی رنگی دارند که با تابش نور خورشید فضای رنگین زیبایی را در اتاق به وجود می‌آورد. گاهی در فضاهای پشت هر اتاق قسمتی را مانند انباری می‌ساختند که با تابش نور خورشید از پشت پنجره کوچک، از طریق شیشه زرد رنگ، نور آن تأمین می‌شد. در واقع، از زمانی که خانه‌های روستا کارکرد سنتی خود را از دست داده‌اند، سبک معماری آنها هم تغییر کرده است. برای مثال، آشپزخانه که به آن مطبخ می‌گفتند، اتاقی جدا از ساختمان بود و

تنوری در کف آن قرار داشت که اغلب، دیوار آن سیاه و دوداندود بود. اکنون مطبخ‌های قدیمی در خانه‌های نوساز به آشپزخانه‌ای با دیوار نصفه تبدیل شده‌اند. اما هنوز هم به دلیل آنکه مردم نان خود را در خانه می‌پزند (در روستا نانوایی وجود ندارد)، تنور کارکرد خود را از دست نداده است.

بنابراین، از تنورهای چدنی آماده استفاده می‌کنند و خارج از ساختمان، در حیاط یا کف اتاق کوچکی در بیرون از ساختمان، داخل سوراخ بزرگی آن را کار می‌گذارند و از چوب برای سوخت آن استفاده می‌کنند. مطبخ‌ها همه دارای طاقچه‌اند و در هر یک از آنها، آسیابی کوچک که دارای دو سنگ رویین و زیرین است قرار دارد. بر روی سنگ رویین، دسته‌ای چوبی برای گرداندن آن بر روی سنگ زیرین تعبیه شده است. البته، در حال حاضر به دلیل اینکه آرد آماده موجود است و مردم از آسیاهای برقی و خانگی برای آرد و مخلوط کردن مواد، استفاده می‌کنند، این آسیاب‌ها کارکرد خود را از دست داده است. خانه‌های سنتی حمام ندارند؛ در گذشته، حتی گاهی در زمستان، از حوض‌های کوچکی که در حیاط قرار داشت، برای استحمام استفاده می‌شد.

ساختار خانواده گسترده روستایی در شکل درونی خانه‌ها نقش به‌سزایی داشته است. این ساختار را عاملی نظیر اقتصاد خودکفا، که پدر خانواده در رأس آن قرار داشت، سازماندهی می‌کرد تا از طریق آن تمرکز خانواده را حفظ کند. به دلیل همین آینده‌نگری بود که بعد از پدر، پسر ارشد جانشین وی می‌شد. بنابراین، وی مرکز استقرار خویش را در خانه پدری بنا می‌کرد تا کانون خانواده را بعد از پدر حفظ کند.

جامعه پدرسالار کویر موجب شکل‌گیری خانه‌هایی با حیاط‌های تودرتو شده است. زیرا پدر خانواده به همراه پسران خود در این خانه‌ها زندگی می‌کند. همین الگو در ماسوله نیز با کمی تفاوت ایفای نقش می‌کند. به این شکل که چون اغلب خانه‌ها دو طبقه ساخته شده‌اند، پدر در یک طبقه و پسر

در طبقه دیگر اسکان می‌یابد. البته در هر دو روستا، در بین خانواده‌های کم‌بضاعت دیده شده که پسر با خانواده‌اش حتی در یک اتاق زندگی می‌کند.

جمع‌بندی

ساختمان‌ها و خانه‌های بسیاری وجود دارند که در خور مطالعه‌اند زیرا پیش از آنکه انسان به فناوری دست پیدا کند و مصرف‌گرا شود، از قوه عقل و احساس خود کمک می‌گرفت و دست به ابداع و اختراع می‌زد تا هر چه بهتر از نیروی طبیعت بهره‌مند شود. از سوی دیگر، چون خانه به گونه‌ای بنا می‌شد که نیازهای فرهنگی انسان را نیز پاسخ دهد، از اصول خاصی در ساخت آن پیروی می‌شد.

با نگاهی گذرا به خانه‌های قدیمی می‌توان این خانه‌ها را به عنوان مرکزی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفت. امروزه خانه تنها برای اسکان و استقرار افراد ساخته می‌شود و دارای فضاهای اختصاصی و متعددی است که به طور معمول، شامل اتاق خواب، نشیمن، آشپزخانه و سرویس بهداشتی می‌شود. کارکرد خانه تنها برای استراحت است و به ندرت کارکردی متفاوت دارد اما در گذشته خانه علاوه بر اینکه مکانی برای استراحت ساکنان به شمار می‌رفت، از کارکردهای دیگری نیز برخوردار بود.

امروزه بشر با کمک تکنیک‌ها و فنون نوین توانسته است بر نیروی عوامل طبیعی غلبه یابد و به همین دلیل، تا حدودی تأثیرات اقلیم بر روی معماری خانه‌ها کمرنگ شده است. اما در معماری سنتی، تأثیر اقلیم در ساخت بنا به قدری بوده است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

با ورود به عرصه توسعه، انسان به فنون جدیدی دست یافت اما در این مسیر، نه تنها استفاده از طبیعت و منابع آن کمتر نشد، بلکه راه بهره‌برداری از آن نیز گسترش یافت. به این ترتیب، تنها نوع نیاز انسان به اقلیم تغییر یافت و او به گونه‌ای دیگر از آن بهره گرفت.

توسعه در تغییر فرهنگ جوامع نیز بی‌تأثیر نیست. فرهنگ یکباره به وجود نمی‌آید که به سرعت نیز از بین برود، اما توسعه با ورود ابزار و آلات جدید، نوع نگرش انسان روستایی را تغییر می‌دهد.

بهره‌گیری تکنیک‌های نوین و مصالح جدید در شکل ظاهری خانه‌های دو روستای ماسوله و فشارک که بر اساس محیط پیرامون ساخته می‌شدند، تغییرات چشمگیری ایجاد کرده است. توسعه علاوه بر آنکه تأثیر اقلیم بر معماری این مناطق را کم‌رنگ ساخته همچنین موجب شده است که در کارکرد بخش‌های مختلف خانه نیز تغییراتی به وجود آید. بسیاری از فضاهای خانه کارکرد پیشین خود را از دست داده‌اند و برخی از آن‌ها کارکرد جدید و چند منظوره‌ای پیدا کرده‌اند.

همچنین راه‌های ارتباطی بین روستا و شهرها موجب به وجود آمدن تعاملات جدیدی در میان مردم شده و الگوهای رفتاری را تغییر داده است.

رهاوردهای توسعه نیز موجب دگرگونی جامعه پدرسالار و اقتصاد مبتنی بر کشاورزی شده است. از دیگر، ارمغان‌های این توسعه، دوری از الگوی رفتاری سنتی و نزدیک شدن به رفتارها و الگوهای شهری است که در نتیجه آن، خانواده هسته‌ای امروز، دیگر نیازی به ساخت خانه‌هایی با سبک سنتی ندارد هر چند با وجود تمام این تغییرات، کارکرد اصلی خانه، یعنی برآوردن نیازهای اساسی همچنان به قوت خود باقی است.

منابع

الف) کتاب

۱. بدری فر، منصور (۱۳۸۱) جغرافیای انسانی ایران، چ ۵، قم: الهادی.
۲. عسگری خانقاه، علی اصغر (۱۳۸۸) روش‌های شناخت و جمع‌آوری داده‌ها و پردازش آنها در علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
۳. عمید، حسن (۱۳۸۳) فرهنگ عمید، چ ۳۰، تهران: امیرکبیر.
۴. محمدمرادی، اصغر و امیرکبیریان، آتوسا (۱۳۸۱) معرفی تعدادی از بناهای سنتی معماری ایران و تحلیلی بر ویژگی‌های فضایی آنها، تهران: میراث فرهنگی.
۵. نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی روستایی، تهران: چاپ پخش.

ب) تارنمای مجازی

روستای ماسوله و فشارک در: www.googleearth.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی